

ضرورت توجه به ابعاد اجتماعی پایداری در طراحی محلات جدید، مطالعه ی موردی: محله ی دامپزشکی شهر تبریز

نام مولف: * وحیده برنون دانشجوی دکتری شهرسازی،

ادرس مولف: تبریز، خیابان منجم، کوچه خاقانی، ۲۰ Email Address :Tanso_v2006@yahoo.com

چکیده

گسترش ابعاد مختلف شهرنشینی در سالهای اخیر، بافتهای محله ای کلا شهر تبریز را نیز تحت تاثیر خود قرار داده است بطوریکه این تغییرات نه تنها در وضعیت کالبدی محلات، بلکه در ابعاد اجتماعی آنها نیز نمایان گردیده است. شکل گیری مجموعه ها و واحدهای جدید همسایگی نیز با تقسیمات کالبدی یکنواخت به نوبه ی خود منجر به افزایش بی هویتی محلات و پدید آمدن فرایند ناپایداریهای اجتماعی و کاهش تعلقات مکانی و روابط همسایگی در آنها شده است. از اینرو مقاله ی حاضر با توجه به نقش و جایگاه اجتماعی - فضایی محلات شهری برای دستیابی به توسعه ی پایدار در شهر، تلاش نموده است تا با پرداختن ویژه به بعد اجتماعی پایداری که به نظر می رسد در تقسیمات جدید شهری، وضعیت نامطلوبی داشته باشند، ضرورت توجه به این موضوع را مورد تاکید قرار دهد و در این راستا با بررسی شاخصهای پایداری اجتماعی در یکی از محلات جدید شهر تبریز (محله ی دامپزشکی) به این نکته پی می برد که وضعیت محله ی مورد نظر از لحاظ عمده شاخصهای پایداری اجتماعی در حد پایینی قرار دارد و با اعتقاد بر این نکته که مجموعه های شکل یافته ی جدید بدلالی از قبیل نداشتن قدمت سکونت اهالی و خالی بودن از عناصر تاریخی- هویتی و پتانسیلهای توسعه ی درونزا، بیشتر از محلات قدیمی نیازمند الزامات و ابزارهای طراحی شهری هستند از اینرو لزوم توجه دوباره به فرایند برنامه ریزی و نوع طراحی در توسعه ی محلات جدید به چشم می خورد و در نهایت پیشنهاداتی را در جهت ارتقای شرایط پایداری اجتماعی در روند برنامه ریزی و نوع طراحی برای محلات و توسعه های جدید شهری ارائه می دهد.

مفاهیم کلیدی: محله، توسعه ی محلات جدید، پایداری اجتماعی، تبریز

۱- مقدمه

روند حاکم در سیستم برنامه ریزی کشور ما پیوسته سیستمی تمرکزگرا و از بالا به پایین بوده است بطوریکه حتی در مراتب پایینتر برنامه ریزیها نیز (مانند طراحیهای شهری جامع و تفصیلی) برنامه ریزان و مشاوران شهری برای کل شهر و عناصر درونی آن، با دیدگاه از بالا به پایین و کالبدی نگر خود، به منطقه بندی و طراحی می پردازند، دیدگاه غالب طرحهای مورد نظر در ارتباط با توسعه های جدید شهری نیز کاملاً کالبدی نگر و خالی از ابعاد فرهنگی- اجتماعی و روانشناسی محیط می باشد بگونه ای که در آماده سازیهای مربوط به توسعه های جدید و در نتیجه مجموعه های محله ای جدید عدم توجه به سازمان و زندگی محله ای با ابعاد و محتوای اجتماعی آن به طور بارزی به چشم می خورد. از اینرو در پرداختن به بحث ناپایداری در سطح کلانشهرها، ناپایداریهای عمده ی اجتماعی در این مجموعه ها بیشتر به چشم می خورد. مقاله ی حاضر نیز با توجه به اینکه اغلب پژوهشها در پرداختن به موضوع توسعه ی محله ای به محلات قدیمی و درونی شهرها بعنوان بافت